



رحمان حسین زاده

## "کثیرالملله" نامیدن جامعه ایران پرچم سیاسی ناسیونالیسم است

مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده

ثروت تا حرف زدن به زبان خودی. مگر می شود با اینها مخالف بود؟

**رحمان حسین زاده:** نکاتی که گفتید و ملی‌گرایان تبلیغش میکنند، بیشتر پروپاگاندا در خدمت مشروع جلوه دادن فدرالیسم است. در خدمت ایده‌آلیزه کردن آن. با اینکار جوهر اصلی فدرالیسم را که انسانها را بر اساس هویت

ایران کشوری "کثیرالملله" و جمعیت آن ترکیبی از چند ملیت و قوم فرض اینها و تقسیم ایران و دادن اختیارات ویژه به هر بخش فرض ادعای اینها برای حقوق بیشتر به شهروندان است. حزب کمونیست کارگری مخالف شعار فدرالیسم، آن را ارتجاعی خوانده، آن را نافی همزیستی و حقوق سیاسی شهروندان جامعه میدانند. چرا؟

رحمان حسین زاده عضو دفتر سیاسی حزب میهمان برنامه رادیو و به این موضوعات جواب میدهد.

**مصطفی رشیدی:** فدرالیسم دادن اختیارات بیشتر، شکستن تمرکز قدرت، عادلانه تر بودن تقسیم

**مصطفی رشیدی** (تهیه کننده برنامه رادیو): وقتی بحث بر سر زندگی انسانی در ایران مطرح باشد، جمهوری اسلامی طرف حساب شمامست. خواست یک زندگی شایسته لیستی طولانی از مطالبات را در عرصه های متنوع در مقابل این رژیم شامل میشود. مثلاً در زمینه حقوق سیاسی، فردی، در زمینه اقتصادی یا در زمینه حقوق سیاسی-اجتماعی افراد. تا آنجا که به نقش افراد در کارکرد سیاسی جامعه و حکومت مربوط میشود در زیر این تیتر بعضی از احزاب خواست "فدرالیسم" را هم گنجانده‌اند.



**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت**

قومی و ملی دستبندی کرده، نزاع و اختلاف را و کینه و دشمنی پوچ را دامن زده و آن را به سطح جنگ و کشمکش

صفحه ۲

**تجمع اعتراضی بزرگ و پر سروصدای کارگران پتروشیمی اراک**  
صفحه ۶

**ایرج فرزاد در حاشیه مرگ یک جنایتکار اسلامی**  
صفحه ۵

**جنبش آزادیخواهان به کنگره ۴ چشم دوخته است**  
اسماعیل ویسی صفحه ۳

**مصاحبه ایسکرا با چند تن دیگر از فعالین شهرهای کردستان در مورد کنگره چهارم حزب**  
صفحه ۶

**گرامیداشت دوازدهمین سالگرد تاسیس حزب در شهرهای کردستان**  
صفحه ۶

**در دفاع از حقوق کودکان و زنان تحرکی نوین، ابتکاراتی نوین سخنرانی اسد نودینیان در کنفرانس دوم اول کودکان**  
(سوئد- استکهلم، ۲۹ و ۳۰ نوامبر)

در این کنفرانس تا کنون سخنرانان متعدد تلاش نمودند از زوایای گوناگون بر حقوق کودکان و مسئولیتهای جامعه در قبال آنان را یادآور شوند.

به مناسبت این کنفرانس من هم مثل بسیاری از شماها اینروزها بیش از هر زمان دیگری توجه ام بر موضوع حقوق کودکان متمرکز بود. بویژه به موقعیت کودکان در جوامعی مثل ایران و عراق و .. که شخصاً آشنایی بیشتری هم دارم. در کشورهایی مثل ایران و عراق و زیر حاکمیت رژیمهای هار اسلامی و یا بعث عراق و

صفحه ۴



اسد نودینیان

با تشکر از برگزار کنندگان کنفرانس اول کودکان که این افتخار را نصیب من نمودند تا در اینجا و در حضور شما عزیزان نکاتی را مطرح کنم.

**ایسکرا**  
iraj\_farzad@yahoo.com  
سردبیر: ایرج فرزاد  
فکس: 00448701687574  
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
چهارشنبه‌ها منتشر میشود

**رادیو انترناسیونال**  
۴۱ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز  
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران  
به دیگران اطلاع دهید  
radio7520@yahoo.com  
رادیو انترناسیونال روی اینترنت:  
www.radio-international.org  
مدیر رادیو انترناسیونال:  
سیاوش دانشور

## «کثیرالملله» نامیدن...

میکشاند، پردپوشی میکنند. اینها با عوامفریبی میخواهند در چشم مردم خاک بپاشند. انسان کافیت بیسرد اختیارات بیشتر برای کی و چه جریاناتی؟ تمرکز قدرت بین چه جریاناتی شکسته میشود؟ از اینها عوامفریبانتر تقسیم عادلانه ثروت در جامعه طبقاتی موجود یعنی چه؟ شاید با مثالی بشود این موضوعات را بیشتر توضیح داد. ببینید جمهوری اسلامی به عنوان حکومت سرمایه‌داران ایران قدرت متمرکز و سرکوبگرانه‌ای ایجاد کرده و نمی خواهد هیچ جریان بورژوازی دیگری را در قدرت دخالت دهد. در این میان جریانی که مثل حزب دمکرات کردستان، که واضح است حزب سرمایه‌داران کرد است، سهمی از این قدرت را در چارچوب کردستان میطلبد، نام آن را گذاشته "خودمختاری یا فدرالیسم و منافع ملی" و بر سر آن با دولت مرکزی دعوا دارد، واضح است دعوی اینها کشمکش دو بخش بورژوازی سر قدرت با هم است. اگر زمانی جمهوری اسلامی مجبور شود این تمرکز قدرت را بشکند و اداره کردستان را به حزب دمکرات واگذار کند، این اختیارات و این شکستن تمرکز قدرت به آغوش حزب دمکرات پرتاب میشود. یعنی اختیارات بیشتر و "شکستن تمرکز قدرت و توزیع ثروت" به جناح دیگری از بورژوازی محول میشود و در این میان قرار نیست مردم در حاکمیت دخالت کنند، قرار نیست شوراهای مردم قدرت را به دست بگیرند. و این نه تنها ربطی به مردم ندارد، بلکه بورژوازی محلی از موقعیت به دست آمده علیه کارگر و مردم زحمتکش در کردستان استفاده میکند. تازه بهای این کشمکش را قرار است جنگ و خونریزی و به جان هم انداختن مردم سر یک وجب خاک و تعیین مرز "حکومت فدرال" را همین مردم بپردازند. با این تقسیم بندیها میخواهند در ارومیه و نقده و کرمانشاه، یا در بلوچستان و خوزستان و غیره مردمی را که سالها با هم زندگی کرده‌اند، مناسبات عادی داشته‌اند، کارگر و مردم همسرنوشت را به جان هم بیندازند. به همان شکلی که در یوگوسلاوی و افغانستان کرده و امروز در عراق میکنند. به این ترتیب فدرالیسم نسخه‌ای برای ضدیت با مردم و منافع آنها است. مبنای دشمنی کور و

جنگ داخلی است. مدنیت جامعه را تهدید میکند. به نظر مردم ایران با هوشیاری کامل باید مواظب باشند. نباید به دام دعوی جناحهای مختلف بورژوازی ناسیونالیست که تحت نام "منافع ملی و ملت" جنگ و سناریوی سیاه را به مردم تحمیل میکنند، بیفتند. لازمست همراه حزب کمونیست کارگری صف آگاه و محکمی را علیه این طرح ایجاد کرد.

**مصطفی رشیدی:** میگویند، ایران کشوری کثیر الملله است، این مشاهده زیاد هم قابل انکار بنظر نمیرسد. شما چه میگوئید؟

رفع تبعیض و تحقیری به بهانه هویت "ملی" است باید پایان داده شود و مردم باید متساوی‌الحقوق باشند. "کثیرالملله" نامیدن ایران پرچم سیاسی ناسیونالیستها است. ما کمونیستها تصویر دیگری از جامعه ایران و مناسبات مردم داریم. که بسیار واقعی است. کشور ایران میتواند محل کار و زندگی همه ساکنین ایران فارغ از نژاد، قوم، و ملت و جنسیت و تفاوت زبان و غیره باشد. میتواند محل کار و زندگی انسانهای برابر و آزاد باشد. اینکه الان چنین نیست، علتش طبقاتی بودن جامعه و تقسیم اجتماع به استثمارگران سرمایه دار و استثمار شوندهگان کارگر و مزدبگیران و مردم تحت فشار و ستم.

اتفاقا سرمایه داران برای توجیه موقعیت بالا دست خود، تفرقه و دو دستی و چند دستی میان مردم را از جمله تحت نام "ملت" و منافع ملی و "کثیرالملله" ایجاد کرده‌اند. و الا چه کسی است که نداند سرمایه داران فارس و کرد و ترک زبان دست در دست هم و همسرنوشتند، با ایجاد حکومت خود، خون مردم را در شیشه کرده‌اند. چه کسی نمیداند "رفسنجانی" فارس زبان و "بها ادب" کرد زبان هر دو از سرمایه داران بزرگ ایران و طبعاً هر دو حافظ حکومت اسلامی و مجلس و دم و دستگاه آنند. در مقابل کارگر و مردم زحمتکش از چهار گوشه ایران مثل هم تحت فشار و استثمارند و بارها در مبارزات در کنار هم بوده و همسرنوشتند. ما کمونیستها در کنار این مردم کارگر و زحمتکش تحت فشار و ستم هستیم و پرچم سیاسی رهایی آنها را پرچم آزادی و برابری را برافراشتیم و ناسیونالیسم هم با "کثیر الملله" نامیدن کشور ایران پرچم سیاسی ناسیونالیستی و ایجاد تفرقه و دشمنی در میان مردم را برافراشتند. به دلایلی که گفتیم "کثیرالملله" خواندن ایران را مضر و خطرناک دانسته و آن را رد کرده و افشا میکنیم.

**مصطفی رشیدی:** انکار تعلقات ملی آیا خود بیشتر به آن دامن نمیزند؟

**رحمان حسین زاده:** اول باید پرسید تعلق ملی یعنی چه؟ آیا واقعا تعلق ملی و یا مذهبی جزو ذات انسان است؟ روشن است که نیست. ببینید همه ما به عنوان آدمیزاد، روز تولد، دوران کوکی و حتی نوجوانی داشته و

داریم که اصلا تعلق ملی و مذهبی و غیره را با خود نیاورده و احساس نکرده‌ایم. بعد از اینکه پا به سن معینی میگذاری، در دنیای موجود بعضا از همان محیط خانواده و اساسا در جامعه، در مدرسه و محیط کار و زیست شروع میکنی، تحت نام فرانسوی، آلمانی، ایرانی، کرد، فارس، عرب و غیره خرافهای را در ذهنمان شکل میدهند. یکی بر حسب تصادف در تهران متولد شده و مارک "ایرانی" را بر پیشانی‌اش چسپانده‌اند. در صورتی که همان فرد اگر در آنکارا متولد میشد، مارک "ترکی" را بر پیشانی‌اش می‌چسپانند.

میخواهم بگویم قضیه بسیار ساختگی و دلخواهی است و این خرافالیست که جامعه طبقاتی و ناسیونالیسم تولید میکند. درست همانند مذهب. هیچ کلام از انسانها در بدو تولد و تا چند سالگی مذهبی نبوده و شروع میشود و مذهب بر آنها تحمیل میشود. به نظر من هویت ملی همانند هویت مذهبی ساختگی و تحمیلی و ارتجاعی است. اصلا در اساس این هویتها وجود نداشته تا انکارش کنیم. بلکه کار ما اتفاقا نشان دادن همین واقعیت است که وجود نداشته و ناسیونالیستها اسمش را گذاشته‌اند انکار تعلق ملی و واقعیت اینست "هویت ملی و ملت سازی" دست ساز ناسیونالیسم و جنبش ناسیونالیستی‌اند. با اینکار خرافهای را بر مردم تحمیل کرده‌اند و کمونیستها وظیفه دارند این خرافه را افشا و منزوی کنند و هویت انسانی آدمها را از زیر خرافه بیرون بکشند. نقطه عزیمت ما هویت انسانی و منافع انسانی است. این راه آزادی و سعادت و برابری انسانها است. و با اینکار تعلق ملی کنار زده میشود.

**مصطفی رشیدی:** آیا نمیترسید شما را در کنار نیروهای تمامیت ارضی طلب قرار دهند؟

**رحمان حسین زاده:** نه. چون از اساس با تمامیت ارضی طلبان متفاوتیم. آنها بر اساس ناسیونالیسم ایرانی و منافع ایرانی‌گری دارند مردم را سرکوب میکنند، ما علیه ناسیونالیسم ایرانی و ایرانی‌گری و سرکوب توسط آنها هستیم. آنان به خرافه ملی دامن میزنند، و ما علیه آنیم. اتفاقا آنها تفرقه‌های ملی را ایجاد کرده و به رسمیت میشناسند و سپس به عنوان "ملت بالا دست" سرکوبشان میکنند و حکم میکنند ملت

پایین دست" از آنها حرف شنوی داشته و تمکین کنند، که ما علمیشان هستیم. تازه در موردی چون وجود ستم ملی در کردستان و مسئله کرد که راحل واقعی میخواهد، تمامیت ارضی طلبان تحت نام "تجزیه‌طلبی" سرکوب میکنند و ما بر ضد آنها مبارزه کرده‌ایم. اکنون که با چراغ سبز "فدرالیسم" میخواهند پای بند و بست و معامله با احزاب ناسیونالیست کرد برونند، ما علیه این بند و بست ارتجاعی آنها بر ضد مردم هستیم. سرپای آنها ناسیونالیسم و شونیسیم و ارتجاع است و ما در مقابل بر ضد ناسیونالیسم و شونیسیم بوده و در میان ما هیچ نوع ناسیونالیسمی جایگاهی ندارد. در نتیجه مگر کسی بخواد بهانه بگیرد، که بعضی‌ها شغلشان همین است، والا نمیتوانند ما را در کنار تمامیت ارضی طلبان قرار دهد. ما در مقابل آنها هستیم.

**مصطفی رشیدی:** تلقیات ملی، احزاب با این ایده ها و حتی تحركات سیاسی از این جنس حتما وجود خواهند داشت، با آنها چگونه باید برخورد کرد؟

**رحمان حسین زاده:** درست میگویید، گفتم جامعه طبقاتی است و جنبشهای سیاسی و اجتماعی متفاوت وجود دارند و احزاب ملی و ناسیونالیست فعالیت دارند. در وهله اول ارتقا آگاهی مردم نسبت به ناسیونالیسم، ماهیت آن و سیاستهای احزاب و جریانات وابسته به این جنبش کار ما است. ما طرفدار آزادی بی‌قید و شرط سیاسی و بیان و... هستیم تا هر کس و جریانی سیاستش را بگوید و شفاف و روشن خود را بشناساند و ما هم روشن و شفاف خود را بیان کنیم و برنامه‌مان را میگوییم و علاوه بر آن نقد و آگاهگری میکنیم. مردم قضاوت میکنند. تلاش ما منزوی کردن سیاسی آنها در سطح جامعه و بیمه کردن افکار مردم در مقابل خرافه ناسیونالیسم است. باید کاری کرد عموم مردم از ناسیونالیسم و احزاب آن دوری کنند و به صف آزادیخواهی و برابری طلبی بپیوندند. باید کاری کرد که واقعا انسانها ناسیونالیسم را ننگ بشریت بدانند.

**مصطفی رشیدی:** چرا با همین معیارها سراغ مسئله کرد نرفته اید؟

## جنبش آزادیخواهان به کنگره ۴ چشم دوخته است



اسماعیل وایسی

iranps.waisi@pp.inet.fi

و بر سرنوشت انسانهای معاصر خود تاثیر بگذارد. و... در مرکز سیاست جامعه، در متن جنگ قدرت، طبقه کارگر را به میدان بکشد و نمایندگی کند.

"منصور حکمت، حزب و جامعه، از گروه فشار، به حزب سیاسی انترناسیونال شماره ۲۹ مه ۱۹۹۹"

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران در شرف برگزاری است. قبل از هر چیز برگزاری کنگره ۴ را به تمامی فعالین جنبش کمونیستی کارگری، رهبران عملی کارگری و توده ای و انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم!

کنگره یک حزب کمونیستی کارگری که نه تنها جهت دخالت در اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، بلکه کنگره حزبی که با حضور پیدا کردن در معادلات قدرت سیاسی و عملا جهت تصرف تا بتواند، اساسا منشا اثری در تغییرات اساسی در زندگی مردم و به اتکاء به سازماندهی نیروی توده های میلیونی مردم باشد. این کنگره در شرایط و اوضاع و احوالی سیاسی و اجتماعی ای در جامعه ایران برگزار می شود که نطفه های یک تحول بنیادین بطور ملموس و محسوس شکل گرفته است و به این اعتبار میتوان انتظار داشت که چشم انداز انقلاب آتی در دستور قرار گرفته است. وجود یک حزب چپ و رادیکال و کمونیستی در صحنه

جدالهای سیاسی جامعه ایران و تبدیل شدن این حزب و گرایش اجتماعی به یک نیروی دخالتگر بطور ملموس و محسوس همراه خواهد بود با رشد رادیکالیسم و به چپ چرخیدن اعتراضات اجتماعی مردم. مردم عاصی از نکتت اسلام سیاسی و خفقان فرهنگی، مردمی در معرض پرتاب شدن به دره سقوط فلاکت و اعتیاد و فقر و تن فروشی و تباه شدن زندگی کودکان، در لحظات تعیین کننده و آنگاه که اراده کنند از حق حیات و موجودیت و حقوق شهروندی و حقوق انسانی شان به پا خیزند، به گرد پرچم و در صفی قرار میگیرند که مدافع و تجلی بخش سازش ناپذیر آرمانها و مطالبات بنیادی آنها باشد. این پرچم و این صف، با برنامه یک دنیای بهتر و تجمع اراده جمع وسیعی از مبارزین و انقلابیون در حزب کمونیست کارگری متبلور است. حزب کمونیست کارگری ایران یک انتخاب واقعی، یک راه حل بنیادی و مسیر خروج از بحران لاعلاج سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران را به روشنی و صراحت دست نشان کرده است.

کنگره ۴ حزب در چنین شرایطی و موقعیت حساسی برگزار می شود که جنبش سرنگونی طلبی و آزادیخواهی و کارگری و فعالین جنبش کمونیستی بدان چشم دوخته اند و به حق توقعات بالائی را انتظار دارند. آنچه که بدون شک رهبری و فعالین حزب به نقش و موقعیت ویژه تاریخی خویش و حساسیت اوضاع آگاه و مطلع هستند و قطعاً کنگره ۴ حزب با ظرافت و حساسیت خاص خود بدان برخورد و عمل خواهد کرد کسب هژمونی سیاسی حزب و عمل کردن بموقع، جهت فیصله

دادن به قدرت سیاسی است تا توده های میلیونی مردم را پدرست و بشیوه صحیح به میدان آورده و هدایت و رهبری کند و تا انقلاب آتی ایران را به اهداف انسانی خود برساند. تمامی شواهد نشان میدهند که در سیر پروسه سرنگونی رژیم اسلامی، قدرت به خیابانها پرتاب خواهد شد و طبق تعاریف مارکسیستی و شاخص عمومی یعنی اعتلای انقلابی که "پایینی ها نمیخواهند روزهایی که اراده میلیونها مردم به قدرت مادی و اجتماعی تبدیل شود و تحولات خیره کننده ای را به دنبال داشته باشد، چندان دور نیستند.

به نتیجه واقعی و انسانی خود و رساندن این عمل و حرکت و جنبش انقلابی و توده های قیام کننده و انقلابی به هدف خود، زمانی میسر و ممکن است که مردم به دور رهبری حزبی انقلابی که با هر جلوه ای از ارتجاع و عقب ماندگی ناسازگاری دارد، حول شعارها و سیاستهای این حزب یعنی حزب کمونیست کارگری ایران متشکل و متحد شوند. تا با سرنگون کردن فاشیسم اسلامی توسط انقلاب مردم از قدرت سیاسی و برقراری جمهوری سوسیالیستی، که انسان در آن زندگی شاد و مرفه و شایسته انسانی را داشته باشد، انقلابی آتی ایران که در چشم انداز قرار گرفته است، مادیت پیدا کند. در واقع و عملاً کنگره ۴، با علم به موقعیت حساس تاریخی، سیاسی و اجتماعی و نقش ویژه ای که از آن انتظار میرود، میتواند و باید کنگره سرنگونی حکومت اسلامی و سرآغاز خلاصی مردم ایران از سلطه اسلام سیاسی در تمام عرصه های زندگی اجتماعی

و آموزشی و تربیتی باشد و نوید برابری کامل و بی قید و شرط زنان و مردان را بدهد و پیروزی جنبش برابری طلبانه زنان و مردان جامعه ایران را تضمین کند. کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیست کارگری دریچه شکوهمند باز گرداندن اختیار به انسان را به روی میلیونها مردم باز خواهد کرد.

جا دارد در پایان گفته باشم و این توقع را مطرح کنم و فراخوان به تمامی انسانهای آزادیخواه و انقلابی بدهم که به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید، این حزب و سیاستهایش را تقویت کنید، تا بتوانیم به انتظارات انسانیمان دست پیدا کنیم!

\* \* \*

### ایسکرا از کامبیز زنده پیر، فعال حزب در کردستان عراق، توقعات او را از کنگره چهارم حزب جویا شد.

کامبیز زنده پیر در پاسخ چنین گفته است: کنگره چهارم لازم است به موقعیت کردستان کمی بیشتر بپردازد. حضور آمریکا در عراق، مساله ایران در تحولات آتی، به کردستان موقعیتی ویژه میدهد. کنگره باید برای احتمالات تحول پر شتاب و دخالت امریکا به اتکا احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان جواب دهد. مسله تبلیغ و حضور رهبران کمونیست باید بیشتر شود. من فکر میکنم به مسایل متنوع در مورد ایران قطعاً کنگره جواب خواهد داد. برای کنگره و رهبری حزب آرزوی موفقیت میکنم. □

را بگیرد، که مردم کردستان رای بدهند به اینکه جدا شوند و دولت مستقل تشکیل دهند، و یا در چارچوب ایران و در نظام سیاسی سکولار و غیر قومی با تضمین کامل حقوق متساوی همه شهروندان به زندگی ادامه دهند. نتیجه چنین فرآیندی هر چه باشد باید معتبر و به رسمیت شناخته شود. در حال حاضر ما طرفدار این شق دوم هستیم.

● ● ●

مردم باید خاتمه داده شود. دوما این کشمکش سیاسی و نظامی پایانی پیدا کند. سوماً به دستبندی ملی و هویت ملی و تبعیض حول آن خاتمه داد و به این ترتیب این ناندانی ناسیونالیسم کرد هم برچیده شود. با مجموعه این فاکتورها راه واقعی اینست که به رسمیت شناخته شود مردم کردستان مستقیماً خود سرنوشت سیاسی آینده خود را تعیین کنند. از نظر ما اینکار در یک فرآیند به رسمیت شناخته شده بین المللی میتواند به این شکل پاسخ خود

غنیمت شمرده و وارد این کشمکش و نزاع شده است. ابعاد سیاسی و اجتماعی قضیه به شکلی است که ما کمونیستها و مردم درگیر این واقعه شده ایم و بطور ابرکتیو جامعه سر آن قطبی شده، ریشه این مسئله از هر جا که باشد، امروز به یک کشمکش سیاسی و نظامی در آن جامعه تبدیل شده و راه حل واقعی میخواید. ما هم به عنوان یک حزب مسئول و دخیل واقعه را می بینیم و راه حل مناسب ارائه میکنیم. اولاً به این ستمگری ملی و سرکوب علیه

## «کثیرالملة» نامیدن ...

و ناندانی ملی ختم شود. ببینید خارج از اراده ما و هر کس دیگری در نتیجه سرکوبگری دولتهای مرکزی سلطنتی و اسلامی، مسئله کرد به موضوع کشمکش سیاسی و نظامی تبدیل شده، جنگ و کشتار و لشکرکشی به شهرها و محیط زندگی مردم کشیده شده، و در مقابل برای شریک شدن در قدرت سالها ناسیونالیسم کرد این موقعیت را

رحمان حسین زاده: اتفاقاً با همین متد و معیار سراغ این موضوع در کردستان رفتیم. بر خلاف ناسیونالیستها که با سیاستشان میخواهند، تفاوت و تبعیض ملی و هویت ملی نهادینه شود و مثل چوب لای زخم باقی بماند، از نظر ما پایان دادن به ستم ملی لازمست به پایان دادن به دستبندی ملی و هویت ملی

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## خلخالی شاخص حکومت اسلامی بود

صادق خلخالی یکی از جلادان جمهوری اسلامی، امروز مرد. خلخالی سبیل و عصاره حکومت اسلامی بود. قساوت‌های بیشمار او بدنبال روی کار آمدن جمهوری اسلامی شهره عام و خاص است. او عامل مستقیم قتل عام هزاران انسان آزاده و کمونیست و مخالفین جمهوری اسلامی بود و تا آخر عمر از جنایات و قتل عام هائی که مستقیماً بدست او و بدستور خمینی مرتکب شده بود با افتخار یاد میکرد.

جمهوری اسلامی رژیم خلخالی ها است و خلخالی های زیادی دارد. شکنجه گران، زندانبانان، فتوادهندگان، حاکمان شرع، ملا حسنی ها و ریشهری ها، رفسنجانی ها و خامنه ای ها، فرماندهان سپاه و سران حزب اله، سازماندهندگان و هدایت کنندگان یک ماشین عظیم جنایت اند. اعدام بیش از صد هزار انسان تنها یک فقره از جنایات این جانیان است.

روزی که با انقلاب مردم ایران، تمام این جنایتکاران در مقابل مردم ستمدیده ایران و در مقابل دوربین های رسانه های بین المللی به جنایات آشکار و پنهان خود اعتراف کنند دیر نیست.

### حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ نوامبر ۲۰۰۳

## یک خبر از اشویه

روز دوشنبه دهم آذر ماه ۸۲ یک مین در پایگاه خالی شده روستای سبیلان (سی‌بیان) در یک کیلومتری شمال غربی شهر، به هنگام بازی کودکان منفجر شد و سه کودک ۸ و ۹ ساله زخمی شدند. زخم یکی از کودکان شدید است، و کودک دیگری متأسفانه هر دو دست و یک پایش را از دست داده است. واقعه انفجار مین هر ساله در منطقه اشویه روی میدهد و موجب تلفات انسانی میشود و مردم به این جنایتکاریهای نیروهای رژیم معترضند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از مردم میخواهد که به این بی مسئولیتها و لاقیدی رژیم جنایتکار اسلامی در قبال امنیت جانی مردم به اعتراضات خود گسترش دهند. □

نکته قابل توجه این تحركات پرچم برابری خواهی و چپ و سوسیالیستی بر رهبری و هدایت این اعتراضات توده ای بود. در جامعه ای که بیش از دو دهه حاکمیت اسلام و فرهنگ اسلامی تلاش نموده که جامعه را به قهقرا و به فرهنگ عقب مانده مردسالاری برگرداند، در جامعه ای که ابراز هر گونه خواست ابتدائی جوانان برای ابراز شادی و عشق و احساسات با شلاق و تازدهیهای قتلهای ناموسی روبرو می شود، مدافعین حقوق انسانی و مدنی شهروندان جامعه، مبتکر سازمان چنین اعتراضات اجتماعی و انسانی در دفاع از حرمت انسانی انسانها می شوند.

نکته قابل توجه دیگر این اعتراضات، این بود، که اگر چه این اعتراضات با شعارهای مستقیماً علیه رژیم اسلامی مردم را به خیابان نیاورده است اما خواستها و مطالبات این اعتراضات علیه پایه و مبانی رژیم اسلامی که بر بی حقوقی کودکان و تلاش شبانه روزی برای به تباهی و پوچ کردن جسم و جان جوانان در ایران بوده است. این تجارب تجربه نوبنی در سازمان اعتراضات توده ای بود.

جا دارد همینجا دست دست اندرکاران این ابتکارات نوین را فشرده و از تجاربشان در شهرهای دیگر نیز در سازمان چنین فعالیتهای استفاده نمود. جا دارد کنفرانس همانگونه که در ابتدا هم گفتیم نقطه قوتی جنبش خود را بشناسد بر اتکا بر آنها در سازمان فعالیتهای خود در داخل و خارج اتکا کند.

\*\*\*

مردم بخوبی میدانند مسبب و توزیع کننده مواد مخدر رژیم اسلامی و عوامل آنهاست، که سواى تلاش رژیم جنایتکاران اسلامی برای به تباهی کشاندن جوانان در کردستان با به اصلاح اقداماتش برای مقابله با اعتیاد، عملاً حرمت و کرامت انسانها را پایمال نموده است. این حرکت خود نیز اعلام اراده مردمی بود که از به تباهی کشیده شدن جسم و روح جوانان معتاد و گسترش این پدیده در جامعه به تنگ آمده و خواهان مبارزه ای قاطع با این پدیده و مسببین آن و در رأس همه آنها، جمهوری اسلامی اند.

همایش علیه خشونت علیه زنان و در دفاع از حقوق کودکان در سنجند که در یکی دو ماه گذشته بر گزار شد، با تصور حاکمیت سپاه اسلامی یک ابتکار بی نظیر بود. تجمعی بزرگ و علنی در مرکز شهر، شرکت وسیع زنان و مردان برابری طلب از شهرهای بزرگ ایران، انواع ابتکارات برای نشان دادن بی حقوق زن و کودک در ایران و در عین حال نشان دادن راه پایان دادن به این وضع بسیار آموزنده است. صدای رسایی که در دفاع از حقوق زنان و کودکان از زبان سخنرانان این همایش مطرح شد و بویژه قطعنامه‌ای که صادر شده و جا دارد عیناً مبنای کار ما و جنبش آزادخواهانه باشد، سیمای روشنی از جنبشی است که خود را به آن متعلق میدانیم.

در خاتمه میخواهم با این تصویر نتیجه ای را که فکر میکنم باید گرفت و از درس و تجارب آن استفاده نمود تأکید نمایم.

ما امروز باید با تکیه بر چنین ابعادی از جنبش انسانی بر خطوط کارها و فعالیتهای دور آتی اش نظر افکند.

به فستیوال آدم برفیها که نگاه میکنید مجسمهها و انتخاب تصاویر بدقت طرح ریزی شده آن در نوع خود یکی از ابتکارات بی نظیر سازمان اعتراض توده ای در دفاع از حقوق کودکان بود. تصویری که خود بیانگر خواستههای انسانی و واقعی حقوق کودکان و جایگاه و منزلت کودکان در جامعه بود، این تصاویر نیازها و خواستههای واقعی کودکان برای شادی، مصون بودنشان از دخالت مذهب در زندگی روزانه شان و علیه خشونت و پدیده زجرآور کودک خیابانی، که روزانه به انواع شیوه ها در ایران تحت حاکمیت اسلام بر کودکان اعمال می شود، بیست هزار نفر در این فستیوال شرکت کردند. به حقوق کودک ارج گذاشتند. آن روز را به روز شادی و احترام متقابل انسانی به هم تبدیل کردند. پتانسیل انسانی جامعه را به جمهوری اسلامی و ارتجاع مذهبی و ناسیونالیستی نشان دادند.

به اعتراض توده ای مردم علیه اعتیاد نگاهی بیفکنیم. چرا که این خود تحرک نوین و ابتکارات نوینی در به میدان آوردن توده ای مردم به اعتراض علیه بی حقوقی کودکان و علیه اعتیاد بود. ابتکاراتی که در نوع خود در این دوره کم نظیر و به خواستههای انسانی و واقعی متکی بود، دفاع از حقوق کودکان، علیه اعتیاد اینها آن خواسته‌هایست که امروزه در حاکمیت رژیم اسلامی خواست میلیونها مردم در ایران است.

در این کنفرانس جادارد ابتکارات گوشه‌ای از جنبشمان را در داخل بازشناخت و بر نقاط قوت این جنبش تأکید نمود.

ببینید یک گوشه جنبش دفاع از حقوق انسان اینست که مثلاً در اوایل سال جاری در همین استهکلم کنفرانسی بین المللی در یاد فادیمه شاهیندال دختری که قربانی قتلهای ناموسی شد برگزار میگردد گوشه دیگری به فاصله چند هفته فستیوال دفاع از حقوق کودکان را در سنجند برگزار میشود. در ادامه و به فاصله چند ماهی ابتکار به میدان آوردن مردم علیه اعتیاد، و در تداوم اینها همایش علیه خشونت و در دفاع از حقوق کودکان و زنان را داشتیم. هریک از این اقدامات بی اطلاع از هم و در جغرافیای متفاوت برگزار میشود و برگزار کنندگان هریک از این اقدامات در داخل و خارج فعلاً همدیگر را نمی شناسند. اما دفاع از حقوق انسان و اینکه حقوق انسان از همان کودکی و تا سنین دیگر نقطه عزیمت آنها است این ابتکارات را به هم پیوند میدهد و آن حلقه همسرنوشتی در اینجاست. جا دارد در این کنفرانس ابعاد و تاثیرات این جنبش در داخل و خارج کشور را بیشتر دید

به عراق هم که نگاهی بیفکنید درست در جنگلستانی که بعد از سقوط رژیم بعث ایجاد شده ما شاهد تحرکی برابری طلبانه و مدافع حقوق کودک هستیم یثار محمدها و فارس محمدهای که در چنین جنگلستانی به دفاع از حقوق زنان و کودکان بر میخیزند. اینها را باید شناخت و کنفرانس

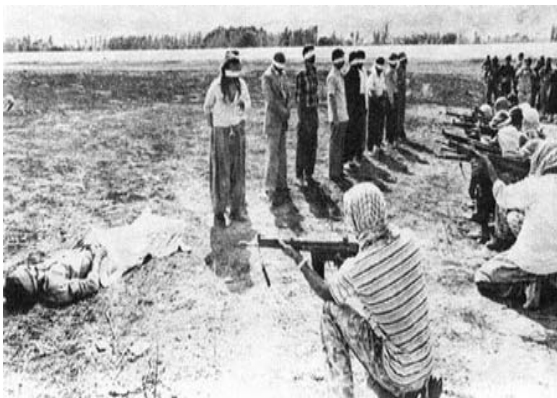
## سخنرانی اسد نودینیان

(ادامه از صفحه ۱)

در عراق امروز در شرایط حضور نظامی آمریکا و تاخت و تاز جریانات متوحش اسلامی و قومی و عشیتری که نه تنها شیرازه جامعه را از هم پاشیده اند، بلکه کل نرمهای انسانی و از آن جمله جایگاه و منزلت کودکان را مطلقاً به هیچ گرفته‌اند. وقتی به بیست و چند سال حاکمیت اسلام و رژیمش در ایران نگاه میکنم که چگونه در جنگ ایران و عراق تمام تلاششان را کردند که از گوشت دم توپ نمودن کودکان و جهت پاکسازی میادین مینها آنها را قربانی نمایند، تا تلاش شبانه روزیشان برای حاکم کردن فرهنگ ضد کودک و ضد زن اسلامیشان بر کودکان. اما در کنار این وضع و تصویر حاکم، تصویر دیگری هم هست. تصویر جلوه‌هایی از تحركاتی و ابتکاراتی که در دل آن شرایط سخت در نوع خود کم نظیر هستند، من به مواردی که در یک سال گذشته در شهر سنجند اتفاق افتاده اشاره میکنم از جمله آنها فستیوال آدم برفیها، ابتکار اعتراضی علیه پدیده اعتیاد و همایش علیه خشونت بر ضد زنان و کودکان. من میان فعالیتهایی که نهاد اول کودکان دارد و کل فعالیتهایی که جنبش کمونیسم کارگری در دفاع از حقوق کودکان در خارج کشور دارد با این فعالیتهای در داخل یک همسرنوشتی و به هم پیوستگی می‌بینم. یک جنبش عظیم را در تصاویر مختلف در خارج و داخل می‌بینم. فکر میکنم امروز و

ایرج فرزاد

## در حاشیه مرگ یک جنایتکار اسلامی



یک رژیم اسلامی و سرتا پا جنایتکار باز کرده است. به کمپ جمهوری اسلامی، کمپ خلخال و لاجوردی، به "جنبش" اصلاحات اسلامی رژیم یک مشت جنایتکار، در واپسین روزهای حیات اسلام سیاسی شماری پرفسور درمانده و مقهور ارتجاع اسلامی پیوستند. در عمل و از منظر مردمی عاصی و به جان آمده از رژیم دارودسته جنایان اسلامی این ننگ و بدنامی به تاریخ زندگی و کارنامه امثال خلخال و لاجوردی و کروی و رفسنجانی و حجابیان پیوست شده است. □

عام و یک ربع قرن بی رحمی و قساوت اسلامی، شاکلی دارد. صحنه محاکمه این جانین، جامعه بشری را تکان خواهد داد و بشریت به عمق تلاشها و مبارزات میلیونها مردم تشنه آزادی و برابری و زندگی در یک جامعه متمدن و پیشرو و آزاد و برابر پی خواهد برد. اسلام و قوانین اسلامی از کلیه شئون زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی پاکسازی و رها خواهد شد. مرگ خلخال، و کارنامه مستند و مصور این جانور اسلامی، نورافکن را بر یکی از چهره های شاخص

نمایندگان مجلسی که آن قوانین ضد انسانی را مصوب کرده است، یادگارهای "امام" و شاگردان متعصب و نفرت انگیز اسلام سیاسی، بانیان ۲۵ سال شکنجه و تعزیر و چوبه دار و میدان تیر و بساط توحش سنگسار و قصاص، یک مشت طفیلی اسلامی و باندی مفت خور و آخوند و آقا زاده هایشان هنوز آخرین تخته پاره های رژیم منحوس اسلامی را چسپیده اند. اینها یاران و طلبه های وفادار و هم حوزه های خلخال و لاجوردی اند. اینها را باید راسا و به نیابت خلخال و تجسم جنایات و قتلهای فجیع رژیم اسلامی و حکام شرع آن به پشت میز محاکمه کشاند. رژیم اسلامی و اصلاح رژیم اسلامی با خلخالیها و با جنون آدمکشی و نفرت اسلامی به حیات خود ادامه داده است. همه یاران خلخال، تمام حکام شرع فجایع کشتار خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷ و قتل عام زندانیان سیاسی مهاباد، تقریباً همگی اکنون در مناصب و شغلای جدید، در مسند روزنامه نگار و جامعه شناس و تئوریسین دو خرداد حی و حاضر برای حفظ و بقای رژیم وحشت و ترور اسلامی به مجاهدتهای خود ادامه میدهند. مردم اینها را بنام در بیت امام، در مجلس اسلامی، در شورای مصلحت و در مقامات فرماندهی سپاه و بسیج و حزب الله و انصارالله میشناسند. اینها در تاریک ترین و وحشتناکترین دوره های تحمیل ترور و خفقان و فقر و فلاکت اسلامی، وزیر و حاکم شرع و مسئول وزارت اطلاعات و شکنجه و مامور شکار مردم بوده اند. با بزیر کشیدن بساط یک مشت آدمکش، و خلاصی از سلطه یک دارودسته اسلامی، بشریت نفس راحتی خواهد کشید و مردم ایران برای دفن هر جلوه ای از خسوت و جنایت علیه شهروندان جامعه، راه بنای یک جامعه متمدن، پیشرو، مرفه و آزاد را هموار خواهند کرد. در این شکی نیست، رژیم اسلامی به وسعت میلیونها مردم ایران، به تعداد هزاران کارگر تحت فشار فقر و بی حقوقی، به اندازه هزاران کودک خیابانی و دهها هزار اعدامی و قربانی نسل کشیهای امثال خلخال، در برابر مسببین و بانیان سلطه یک ربع قرن وحشت و ترور و ارباب و قتل

اسلامی متجلی است. ارادت این عزیز به امام بزرگوار خمینی کبیر و علاقه حضرت امام به ایشان از نقاط برجسته تاریخ حیات این روحانی والا مقام است" و چه تعریف جامعتری از این، چه وصفی کاملتر از نقش خمینی و آدمکشانی چون خلخال و لاجوردی در خون پاشیدن به یک جامعه و در نوشتن تاریخ واقعی "انقلاب اسلامی"؟ خلخال در واپسین دورانهای زندگی کثیف اش حتی یک لحظه در مورد جنایات و آدمکشیهای اسلامی اش کمترین تردیدی بخود راه نداد. او اگر "پشیمان بود"، که در مصاحبه بهمن ماه سال گذشته با روزنامه "اصلاح طلب" اعتماد، گفته بود، از آن رو بوده است که در دوران مسئولیت اش بعنوان حاکم شرع مورد اعتماد خمینی، امکان کشتارها و قتلهای بیشتری داشت و آن میسر نشد. او به خود میبالید و همواره در افتخارات زندگی به این استناد میکرد که همه قتلها، اعدامها و احکام شرع انور را با تایید و تشویق و حمایت بدون چون و چرای خمینی انجام داده بود و از آن نظر در محضر ائمه اطهار و جمع مرشدان این جنایتکار در تاریخ روسفید بوده است. اما خلخال، در خود مجموعه ای از طیفهای گرایش واحدی را متجلی کرد. او حامی دو خرداد درآمد و در همان حال از تک خالهای دو قلوبی همزاد رژیم اسلامی در آن سالهای وحشت، حزب توده و اکثریت فدائی، نیز بود. هنگامی که حاج آقای اینها برای مجلس خبرگان و اولین دوره مجلس اسلامی کاندید شدند، حزب توده در ارگان خود به "همه دلسوزان انقلاب اسلامی و پیروان امام" فراخوان داد تا از او حمایت کنند. چون در دفاع از "رهبر انقلاب" قاطع" بوده است!! خلخال مرد و متاسفانه این فرصت دست نداد تا شاهدان جنایات او و بازماندگان صحنه های وحشتناک اعدامها و تیربارانها، او را پشت میز محاکمه ببینند. او در ننگ و بدنامی به دیار اصحاب حکومت شرع اسلام و در کنار امثال لاجوردی قرار گرفت. اما اساس حکومتی که او آهسته جنایت را بخاطرش مرتکب شد، همه هم مکتبها و جنایتکاران رژیم اسلامی، بقایای آمران آن قتلهای فجیع، روسای جمهور و

خلخال، به معنی واقعی کلمه تبلور اسلام سیاسی و ستون حاکمیت شرع اسلام بود. صحنه های وحشتناکی که از همان روزهای اول حاکمیت شرعش در انتظار مردم ایران و جهانیان گرفت: محاکمات سریع و نمایش اجساد سوراخ سوراخ شده قربانیان بر صفحه تلویزیون و در صفحات روزنامه ها، به همگان، به مردمی که با مبارزات و اعتراضات و خیزش خود، رژیم سلطنت را بزیر کشیده بودند، اظهار کرد و هشدار داد که رژیم اسلامی، ماشین جنایت مذهبی و کوره آدم سوزی و نفرت و انتقامجویی اسلامی تصمیم گرفته است با قساوت و بیرحمی، مردم را مرعوب کند و وحشت را به خانه های مردم ببرد و انتقام خیزش و انقلاب علیه رژیم شاه را از آنها بگیرد. تصمیم گرفته بودند به این شیوه و فقط با این شیوه های اسلامی به مردم درس عبرت بدهند که سزای خیزش علیه ستمگران و سرکوبگران و حکومتی اقلیتی استثمارگر و سرمایه دار، و مبارزه با ارتجاع هنوز پرده های اولیه خود را نمایش میدهد. حاج آقا، اعتماد امام و ماموریت جنایات اسلامی را گرفت و بعد از قتلهای ترکمن صحرا راهی کردستان شد. در سندانج در کنار ردیف محکومین به اعدام در فرودگاه، یک "محراب" را روی برانکار و باند پیچی شده تیرباران کرد. این صحنه را نمیشود با جملاتی چون "تکان دهنده" توصیف کرد. در پایه، بعد از اینکه فرستاده و نور چشم امام شماری را به تیرباران محکوم کرد، آنوقت، فقط آنوقت بود که مرحوم بازرگان، نخست وزیر دولت موقت امام، مراتب شکر را بجا آورد و افطار را در ماه مبارک در حضور خداوند و نماینده حکومت او در ایران صرف کرد. جنون آدمکشی جان تعداد دیگری از شریفترین انسانها را در مریوان و سقز و بانه نیز گرفت، در آن میان ابراهیم حکمت، یک پیرمرد نود ساله نیز در امان نماند. خلخال را کروی رئیس مجلس اسلامی، "ستون شرع" توصیف کرد. در تسلیم کروی در فقدان این جلا اسلامی چنین آمده است: "خدمات و مجاهدات این روحانی عظیم القدر در دوران قبل و پس از انقلاب اسلامی و در صفحات زرین تاریخ پر شکوه انقلاب

## مصاحبه ایسکرا با چند تن دیگر از فعالین شهرهای کردستان در مورد کنگره چهارم حزب

ایسکرا: چند هفته دیگر کنگره چهارم حزب برگزار خواهد شد. استبداد و اختناق حاکم بر ایران مانع شرکت هزاران علاقه مند و آزادیخواه به این کنگره است. اگر حاکمیت جهانی اسلامی نبود شما هم از جمله کسانی بودید که اکنون خود را برای مسافرت و شرکت در کنگره حاضر میکردید. اگر شما چه به عنوان نماینده یا ناظر در این کنگره حضور داشتید، چه مسایلی را دوست داشتید آنجا مطرح کنید؟ به نظر شما چه مسایلی مهم هستند که باید کنگره توجه خود را بدان معطوف کند؟

**شاهو دوستی:** من قلبا دوست داشتم که خود را برای شرکت در کنگره کاننید میکردم، اما همانطور که خودت اشاره کردی از نظر امنیتی مقبور نشد. سعادت شرکت در چنین کنگره ای و آشنایی نزدیک با رهبران و کادرهای حزب برایم به تاخیر افتاد. با این وجود پروسه کاننیدآوری و انتخابات را از طریق انترناسیونال هفتگی با علاقه تعقیب کردم. خوشبختانه کیفیت و کمیت نمایندگان کنگره چنان عالی و رضایت بخش است که جایی برای نگرانی باقی نمی گذارد. اما اینجا من هم به سهم خود لازم میدانم به چند نکته اشاره کنم.

- رابطه توان مالی حزب و کارهای

بزرگی که حزب ما در دستور دارد برایم دغدغه ایجاد میکند. به بیان دیگر حزبی که خود را آماده تصرف قدرت سیاسی کرده است. نیاز به وسیعترین امکانات مالی دارد. کنگره بایست به این امر مهم جواب دهد. ما اکنون حزبی بزرگ هستیم همه ما را می شناسند. دشمنان آزادی مردم ایران در وحشت وجود این حزب خواب ندارند. دوستان چشم امید خود را به این حزب دوخته اند. ما چه در ایران و چه در خارج بزرگتر از آن هستیم که امکان مالی ما نشان میدهد. باید نقشه داشته باشیم، باید کادرهای خوب را به این مهم اختصاص داد، باید جهان متدین و انساندوست را در این رابطه هم فراخواند.

- به نظر من جای خالی یک نشریه تئوریک در میان سایر نشریات با ارزش حزب محسوس است. قراری که بشود کمیته مرکزی منتخب کنگره، بر مبنای آن به سازماندهی و انتشار چنین نشریه ای بپردازد، لازم است. در همین عرصه کار تبلیغی نیاز به مقداری کار بیشتر دارد. نوشته های تکراری تا حدودی بر ارزش ادبیات غنی و با کیفیت این حزب میکاهد.

در خاتمه من برای کنگره و رهبری حزب بهترین ها را آرزو میکنم.

**منوچهر متین:** من پیشاپیش از شما متشکرم که نظر و رای ما

## گرامیداشت دوازدهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری در شهرهای کردستان

### سندج:

در شبهای چهارشنبه و پنجشنبه ۵ و ۶ آذر در سطح شهر سندج و محلات مختلف این شهر از جمله، منطقه ژاندارمری، ادب، سمراه ادب، شریف آباد، محله غفور، کلکهجار، "تکیه و چمن" تراکتها اکنون همه میدانند که رژیم اسلامی رفتنی است. حزب ما باید برای تصرف قدرت نیرو بسیج کند. کنگره باید به راهکارهای عملی این بحث، بیشتر بپردازد. مثلا طرح کنترل محلات خوب است، اما باید ادامه یابد، به سوالات فعالین در این رابطه جواب دهد، حلقه های عملی تر را پیش رو قرار دهد و غیره.

مسئله دوم آموزش جوانان است جوانان در ایران لائیک هستند. مدرن خواهی و سکولار بودن وجهی است که حتی سران رژیم هم بارها به آن اشاره کرده اند. اما این کافی نیست، حزب باید برای آموزش مارکسیسم و کمونیسم کارگری در میان جوانان برنامه داشته باشد. کنگره بایست در این رابطه راه حلی را ارائه دهد.

برای کنگره چهارم و رفقای حزب آرزوی موفقیت میکنم.

### سقز:

در شهر سقز فعالین و دوستداران حزب روز نهم آذر با تاریک شدن هوا به مناسبت گرامیداشت سالگرد حزب بر روی تپه صالح آباد، تپه کانی نیاز و روبروی بیمارستان تامین اجتماعی آتش روشن کردند. همچنین اطلاعیه حزب به مناسبت این روز را در محلاتی از شهر پخش کردند. در بعضی از محلات شهر نیز در گرامیداشت یاد حزب شعارهای زنده باد منصور حکمت، زنده باد حزب کمونیست کارگری، گرامی باد دوازدهمین سالگرد حزب و مرگ بر جمهوری اسلامی نوشته شد.

### سردشت:

در سردشت به مناسبت سالگرد تاسیس حزب در محلات بیمارستان، دانش، قبران، چهار راه اطلاعات، حمام شکوفه، ترمینال قدیم، سد سردشت، پارک لاله، دول تانچک، محله پادگان، و استادیوم سردشت

شعارهایی به مناسبت سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری بر دیوارها نوشته شده، که عبارتند از، زنده باد منصور حکمت، زنده باد کورش مدرسی، گرامی باد دوازدهمین سالگرد حزب، به حزب کمونیست کارگری پیوندید. در ضمن در محلات پارک لاله و استادیوم، مردم و دوستداران حزب کمونیست کارگری به این مناسبت در شب جمعه ۲۸ آذر آتشهای بزرگی را به نشانه شادی و گرامیداشت سالگرد حزب برافروختند که تا پاسی از شب شعلهور بودند.

### اشنویه:

فعالین حزب به مناسبت سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری مناطق مختلف شهر اشنویه از جمله: محله های سلیم آباد و مام تمر در منطقه بالای شهر و شهرک فرهنگیان، منطقه مرکز شهر و محله سیدآباد را شعارنویسی کرده و به پخش اطلاعیه پرداختند.

### رهبه ت:

در شهر رهبه ت در نزدیک شهر سردشت از روز ۴ آذر ماه فعالین و دوستداران حزب کمونیست کارگری با نوشتن شعارهای زنده باد منصور حکمت، زنده باد حزب کمونیست کارگری و گرامی باد ۹ آذر سالگرد حزب این روز را گرامی داشتند. به همین مناسبت پوسترهای منصور حکمت را در محلات مختلف شهر پخش کردند.

### دیواندره:

در شهر دیواندره نیز فعالین و دوستداران حزب در محلات شهر از جمله خیابان ۱۶ متری، کمربندی و کوچه های شهر در گرامیداشت حزب شعار نوشتند.

### کمیته کردستان حزب

### کمونیست کارگری ایران

۱۰ آذر ۱۳۸۲

۱ دسامبر ۲۰۰۳

## تجمع اعتراضی بزرگ و پر سروصدای کارگران پتروشیمی اراک مامورین انتظامی به کارگران هشدار دادند

در صورتی که پاسخ نگیرند اعتصاب در تمام قسمتها جریان خواهد یافت.

حزب کمونیست کارگری، ضمن حمایت قاطع از اعتصاب و مبارزه کارگران مجتمع های پتروشیمی، کلیه کارکنان پتروشیمی ها را به اعتصاب یکپارچه و هماهنگ فرامیخواند. ما همچنین سایر بخشهای صنعت نفت را به حمایت از کارکنان پتروشیمی فرامیخوانیم. با گسترش مبارزه و حمایت سایر بخشها از کارگران پتروشیمی میتوان رژیم اسلامی را بطور جدی عقب راند. پس از پنج هفته مبارزه پیگیر و متحدانه، اکنون کارگران پتروشیمی ها در موقعیتی هستند که میتوانند با تماس

سومین روز اعتصاب غذای کارکنان پتروشیمی اراک با تجمع بیش از هزارتن از کارکنان در رستوران این کارخانه به یک اعتراض وسیع تبدیل شد. روز دوشنبه ۱۰ آذر ماه گروههای زیادی از کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک در رستوران شرکت جمع شدند و با به هم کوبیدن قاشق و ظروف خالی، اعتراض و خشم خود را ابراز کردند. مامورین جمهوری اسلامی با اوجگیری اعتراضات کارگران به آنها هشدار دادند که از شیوه های دیگر مبارزه استفاده نکنند. کارگران اعلام کرده اند که به اعتراضات خود تا لغو تصمیم مقامات پتروشیمی ادامه خواهند داد و